

با برترین های نخستین دوره جشنواره فیلم کوتاه گرن شیراز ؛

مصاحبه ای اختصاصی گزارش خبر با تدوینگر برتر شیرازی در جشنواره گرن

در اختتامیه جشنواره فیلم کوتاه گرن در شیراز، جایزه ی بهترین تدوین اختصاص پیدا کرد به محمد ناصریراد برای تدوین مستند طاووسها پرواز را نمی فهمند.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ ، هنر و رسانه گزارش خبر، در جشنواره ی فیلم کوتاه گرن در شیراز برگزیده های خود را شناخت و بخاطر ایجاد هماهنگی و ضرباهنگ منسجم در پیوند تصاویر آرشیوی و شخصیت های فیلم، لوح تقدیر و جایزه نقدی سی میلیون ریالی بهترین تدوین نخستین جشنواره فیلم کوتاه گرن می رسد به محمد ناصریراد برای تدوین مستند طاووسها پرواز را نمی فهمند.

به همین بهانه به سراغ برنده ی جایزه ی بهترین تدوین این جشنواره رفته و به مصاحبتی با او نشستیم .

جناب ناصریراد، چرا تدوین ؟ یعنی چه شد که به تدوین گرایش پیدا کردی و متوجه شدی استعداد کافی رو داری؟
سوال سختیه، واقعا نمیدونم، البته باید در همین جا بگم که من علاوه بر عکاسی، مستندسازی و تصویربرداری، تدوین هم میکنم، شاید دلیل اینکه چند سالیه بیشتر درگیر تدوین شدم این باشه که سینما رو اساسا فرم میبینم و این فرم در مرحله ی تدوین و مونتاژ که به ساختار نهایی میرسه، برای همین حس کردم تدوین در آثار سینمایی بسیار با اهمیت و جان فیلم در تدوینشه.

بذارید با مثالی براتون شرحش بدم، سال ۹۴ بود که کانسپتی در ذهن من شکل گرفت، برای همین دوربینی که میشه گفت هندی کم پیشرفته ای بود رو از یکی دوستان چند روزی قرض گرفتم و عملا بدون فیلمنامه و نقشه ی راه دقیق و مشخصی شروع کردم به فیلم گرفتن، البته چون مستند مشاهده ای بود این نوع فیلمبرداری برای من توی اون شرایط قابل قبول بود ولی توصیه میکنم دوستان تازه کار هرگز این کارو نکنن چرا که سردرگم میشن هنگام تدوین و زمان زیادی رو از دست میدن، خلاصه که نزدیکه هزار و هشتاد و سه تا پلان(دقیقا همین مقدار) بین ده تا بیست ثانیه ای به صورت مشاهده ای با همون دوربین ضبط کردم، حالا من بودم و نزدیک به صد گیگ مموری که باید خالی میکردم، باز هم لب تابى از دوستی دیگه قرض گرفتم برای چند روزی تا هم کپی کنم هم فیلمارو ببینم، در همین اثنا بود که از یکی دوستان دیگه خواستم برنامه ی تدوینی هم روی این لب تاب نصب کنه، برنامه ی ادیوس، خلاصه نشستم پای تدوین، اپراتوری نرم افزار هم بلد نبودم و سیستم هم ضعیف بود، نزدیک به ده روز زمان برد تا تونستم فیلمی دو و نیم ساعته با هزار زحمت و سختی از این هزار و هشتاد و سه پلان آماده کنم.

بعد با شوق و ذوق بردم پیش یکی دوستان که خیاطی میکرد تا ببینه، ده دقیقه اول که گذشت حوصله اش سر رفت، اونجا بود که فهمیدم خودمم حوصله ی نگاه کردن بهش رو ندارم چون مشابه این صحنه هارو هر روز میبینم و خیلی خیلی تایم فیلم بلند شده، دوباره نشستم پای تدوینش و اضافات رو حذف کردم و یه روند روایی از صبح تا شب بهش دادم. (اینجا بود که متوجه شدم باید روایت مشاهده ها منسجم باشه و خطی رو دنبال کنه تا مخاطب بتونه همراه بشه)

این بار مستند شد ۴۵ دقیقه که میشه گفت بازم زیاد بود این تایم، فکر کردم بخاطر اینکه سینما ۲۴ فریم در ثانیه هست بهتره منم ۲۴ دقیقه تایم فیلم رو بذارم و نهایتا مستندی ساخته شد به نام "دروازه حقیقت" که حاصل مشاهدات چند روزه ی من از محله ی دروازه کازرون در شهر شیراز بود و روی پارات هم آپلودش کردم و برای همه در دسترس.

همین فیلم در همون سال به جشنواره ی آزاد فیلم مسعود کیمایی ورود پیدا کرد، این شد انگیزه گرفتم، دوباره یه سری اضافات از مستند حذف کردم و نهایتا نسخه ی ۱۲ دقیقه ایش نهایی شد. فیلم رو چند جشنواره استانی و ملی فرستادم ولی در اون سال ها اصلا مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه سال ۹۹ در جشنواره استانی مانترا مورد تقدیر هیئت داوران قرار گرفت.

اینطوری بود که عملا تدوین رو یاد گرفتم، تدوین به مثابه ی تدوین نه اسمبلی، اپراتوری و مونتاژ.

جناب ناصریراد رویه و رویکرد شما در تدوین چیه؟ منظورم اینه چه شیوه ای رو پیش میگیرید از نظر فرم و تکنیک؟

خلاصه بگم که: دیالکتیک.

یه پلان رو میکنم تز، پلان بعدی رو ضد و آنتی اون یعنی در تضاد با پلان قبل که میشه آنتی تز و نهایتا در کنار هم قرار داده شدن این پلان ها سنتزی در ذهن مخاطب شکل میگیره، حالا این سنتز شکل گرفته که حاصل کنار هم قرارگیری تز و آنتی تز، خودش در کنار سنتز دیگری قرار میگیره و سنتزی جدید خلق میشه، به همین صورت و با شرح و بسط این سنتزها از طریق مثلا اعداد فیبوناچی به نتیجه ی مطلوب روایی و محتوایی در دل فرم میرسم. البته این عمل من شیوه ی جدیدی نیست این اساسا برگرفته از سینمای شوروی در دهه ی بیست میلادی، به عنوان مثال اگر آثاری از ورتوف یا ایزنشتین و پودوفکین رو ببینید متوجه این تکنیک میشید. اساسا تدوین در دنیا مدیون شورویه.

در شیوه ی روایی هم سعی میکنم از جزییات شروع کنم و با چند پلان معرف به توصیف و شرح اتمسفر و فضای اون صحنه بپردازم و بعد وارد نماهای بازتر بشم. البته نه همه ی صحنه ها.

بر این باور که نماهای مشاهده ای و واکنشی یعنی عکس العمل ها در قبال عمل ها بسیاری مواقع از کنش ها مهمتر و تاثیر گذار تره وقتی در تدوین ارزش استفاده میشه.

شیوه ی تعامل و همکاری شما با فیلمسازا به چه صورت است؟ فیلمسازهایی که قراره باهاشون کار کنید:

در اصل کارایی که خودم بسازم تدوینش رو خودم میزنم مثلا مستند طاووس ها پرواز را نمی فهمند از آثار خودم بود که با علی بلندنظر بصورت مشترک کار کردیم. گاهی هم دوستی فیلمنامه میاره و میگه میخوام برای تدوین این کار باشی، منم سعی میکنم در همون مرحله ی فیلمنامه، رویکردی روایی تدوینی برایش در نظر بگیرم که این تا مرحله ی فیلمبرداری و روی میز تدوین ادامه داره، مثلا خیلی اوقات فیلمی(عموما مستند) برای تدوین آوردن و بعد از دیدن پلان ها نشستم و از نو براش نقشه ی راه و فیلمنامه نوشتم بعد متوجه شدم که پلان هایی کم داره و به کارگردان گفتم این پلان ها یا این صداها رو بگیر و بیار که پازل من تکمیل بشه.

در این جشنواره چند فیلم رو شما تدوین زدین؟
فکر کنم پنج تایی بود که طاووس ها پرواز را نمیفهمند، زنده به گور، انسان خردمند، عروسک ها بر آب میمیرند و مشاور تدوین در شبی که جاماند که جایزه بهترین فیلم داستانی رو گرفت، شامل میشه.

از تجربه ی تدوین در مستند طاووس ها پرواز را نمیفهمند، برای ما بگید:

باید بگم که بسیار سخت، انرژی و زمانبر
من و آقای بلندنظر همکار خوب و با اخلاق که از مستندسازهای خوب شیرازه، وقتی تصمیم گرفتیم این ایده رو یعنی روایت کردن سیل شیراز از زبان طاووس دروازه قرآن شیراز، به صورت مشترک کار کنیم، برای شروع متوجه شدیم متریاال آرشیوی با کیفیت و کمیت خوب اصلا نداریم، برای همین خیلی زمان صرف کردیم تا آرشیو از جاهای مختلف نظیر فضای مجازی، دوستان، ادارات دولتی و حتی دادن فراخوان پیدا کنیم، حالا ما بودیم و چندین گیگ آرشیو از حادثه ی سیل شیراز .

اینجا بود که نشستیم و نسبت به آرشیو ها و تحقیقاتی که انجام داده بودیم، فیلمنامه ای دقیق و حساب شده طرح ریزی کردیم و رفتیم مشورتی با یکی از مستندسازهای شیرازی انجام دادیم که گفت ساخت این مستند ریسکه بزرگیه چرا که استفاده از انواع گونه ها نظیر مستند مشاهده ای و داکيومیشن و بازسازی و ... در این فیلم نامه ذکر شده و در آوردن منسجم چنین اثری میتونم بگم غیر ممکنه یا لافل من از انجامش عاجزم .
همون زمان فیلمنامه رو برای حمایت مالی بردیم شورای شهر شیراز که متاسفانه به ما گفتن ما میخوایم این حادثه از اذهان عمومی حذف بشه و بهتره شما هم کار نکنید، ما هم گفتیم چشم قربان فرمایش دیگه ای ندارین؟

بالاخره با بودجه محدود و به سختی فیلمبرداری مصاحبه ها و بازسازی رو انجام دادیم. البته باید از کمک های بی دریغ جناب ساسان حیدریور هم تشکر ویژه کنم که از همه نظر نه تنها مارو بلکه همه ی دوستان شیرازی رو حمایت میکنه.

و اما رسیدیم به زمانی که چندین گیگ متریاال به مصالح آرشیوی اضافه شده بود و باید تدوین رو شروع میکردم.
راف کات رو طبق فیلمنامه زدم، چندان چنگی به دل نمیزد، پشت سیستم تدوین میشستم و مدام اتود میزدم که چطوری میتونم منسجم تر و یکپارچه بکنم این مستند رو، در نهایت پس از گذشت چندین روز روایت درخور توجهی برایش پیدا کردم که در خروجی اثر مشاهده میکنید. بنظرم این مستند بسیار تکنیکی و ساختارمنده، با صراحت میگم نمایی اضافه نداره، استفاده از رنگ ها و نمادهای تصویری کاملا حساب شدست، حتی در مقوله ی صداگذاری و موسیقی هم با ظرافت کار شده.

من معتقدم این مستند شایسته بود در جشنواره گرن که با رویکردی آسیب شناسانه کار خودشو شروع کرده، جایزه ای در بخش بهترین مستند بگیره .

سطح فیلم های این جشنواره رو چطور دیدین؟

بد نبود، نسبت به قبل از کرونا پیشرفت چشمگیری داشت، خصوصا در بخش مستند. نزدیک به پنج مستند در سطح ملی با هم رقابت میکردن که عموما هم جایزه گرفتن. متاسفانه خیلی از فیلما دچار زیاده گویی و تکرار هستن که از تدوین لطمه میخورن.

صحت پایانی اگه دارید بفرمایید:

بسیار سپاسگزارم از شما، امیدوارم زین پس، با گذر از کرونا شاهد برگزاری حضوری جشنواره ها و رونق فیلمسازی در سطح شیراز باشیم .